

سلام دوستان،

با توجه به اینکه تعدادی از سرورها در کشور سه کاف را فیلتر می‌کنند، و یا اینکه کسانی بنا به دلایل شغلی، امنیتی و..... به پایگاه سه کاف بر روی اینترنت دسترسی ندارند، تصمیم گرفته‌ایم، لیست جداگانه‌ای از ای میلیهای این دسته از علاقمندان تهیه و از این به بعد، گزیده‌ای از هر شماره جدید را به صورت پی دی اف به آنها ارسال کنیم. خواهش میکنیم، توجه داشته باشید که این خدمات فقط و فقط برای کسانی است که به پایگاه سه کاف روی شبکه دسترسی ندارند.

این دسته از دوستان میتوانند درخواست خود را ارسال کنند تا در لیست جدید (دریافت کننده سه کاف با پی دی اف)، قرار دهیم. البته مطالب ارسالی بدون عکس خواهند بود. لیست ای میل دریافت کنندگان خبر انتشار سه کاف همچنان محفوظ خواهد بود و کماکان خبر انتشار هر شماره جدید را به دیگر دوستان، اعلام خواهیم کرد. مطالب زیر گزیده‌هایی از سه کاف شماره ۲۴ می‌باشد.

۱- تجاوزات در خانواده‌های ما

روابط جنسی سالم، به آن دسته از روابطی گفته می‌شود که دو نفری که با هم سکس دارند، همدیگر را بر اساس عقل، نیاز، خواهش، تمنای درون، آگاهانه و بر اساس حق انتخاب یافته، و با هم سکس داشته باشند. در چنین رابطه‌ی آگاهانه‌ای، جایی برای کلک زدن، "مخ زدن"، فریب، نیرنگ، دروغ و امثال اینها، وجود ندارد. حق چنین انسانهایی است که بر اساس میل و رغبت و ذائقه جنسی - سکسی خود، آنطور که میخواهند، عمل کنند. این دو نفر میتوانند یک زن و مرد، یک جفت زن، یک جفت مرد، و حتی مجموعه‌ای از اینها با هم باشد (سکس گروهی).

هیچکسی حق ندارد، به چنین انسانهایی به صرف ناهمخوانی عمل آنها با هنجارهای حاکم در اجتماع، ایراد بگیرد. اگر چیزی باید عوض شود همانا هنجارهای حاکم است نه اینکه از انسانها بخواهیم مثل همیشه به سرکوب درونی‌ترین نیاز خود، همچنان ادامه دهند. به این میگویند آزادی جنسی.

اما این با زورگویی، تجاوز و بخصوص تجاوز به کودکان، فرق دارد.

ما در اینباره بطور دقیق تحقیق نکرده‌ایم، اما از تماسهای فراوانی که با خوانندگان داریم، میتوان ادعا کرد که آمار تجاوز به کودکان در خانواده‌های ما، بسیار بسیار بالاتر از آن است که خیلی‌ها ممکن است حتی فکرش را نکنند.

چنین به نظر می‌رسد که تجاوز پدر، عمو، برادر و دیگر بستگان نزدیک به کودکان خردسال، بخصوص به دختر بچه‌ها، در خانواده‌های ایرانی، بسیار رواج دارد.

البته این به این معنا نیست که در جوامع دیگر چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد، بلکه در جوامع آزاد، مرزها تا حدود زیادی مشخص می‌باشند. و در کنار آزادیهای جنسی، سازمانهایی نیز برای حمایت از قربانیان تجاوزات جنسی، آموزش اینگونه مسائل در تمام سطوح جامعه، محاکمه متجاوزان و..... وجود دارد.

یکی دیگر از نمونه‌های تجاوزات در خانواده‌های ما، تجاوز مردها به زنان خودشان میباشد، یعنی هنگامی که زن به هر عللی تمایلی به سکس ندارد و مرد به زور، او را وادار به سکس می‌کند، چنین عملی خود یک تجاوز آشکار است. نمونه دیگر که به احتمال بسیار قوی از رویه سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در عرصه سیاست جنسی ناشی می‌شود، همانا روابط جنسی خواهر و برادرها و حتی والدین با پسران و دختران بالغ خود، در خانواده‌هاست. از طرف دیگر، اطلاعات عمومی مردم ما درباره مسائل جنسی (استثناها بکنار)، فوق‌العاده و بشکلی باور نکردنی، کم و ناچیز است.

مسئله جنسیت در ایران به حادثترین، بغرنج‌ترین، پیچیده‌ترین و سردرگم‌ترین مسئله در جامعه ما تبدیل شده است. به همین دلیل ورود تمام کارشناسان مسائل اجتماعی، سیاست‌کاران، برنامه‌ریزان و همه آنانی که به فکر اصلاح جامعه هستند، به این مسئله، دامن زدن به بحثها و مشخص کردن سره از ناسره، از هر زمانی عاجل‌تر است. وقت آن رسیده که مبحث جنسیت را از توی پستوها بدر آوریم و روی میز مسئولان قرار دهیم.

۲-خاطره‌ای در کافی نت تجریش

تقریباً یک سال پیش بود، اما انگار همین دیروز بود. نمی‌دونم باید از اون پسر متنفر باشم یا راضی، باید او را بخاطر معرفی چنین لذتی دوست داشته باشم و یا بخاطر تنها گذاشتنم، فحشش بدهم؟ البته او خیلی هم مقصر نبود، چون باید می‌رفت سربازی و نمی‌توانم توقع زیادی ازش داشته باشم. حالا که همه چیز تموم شده و او هم دیگر آنجا نیست، لازم می‌بینم که دروغ ندَم و پرده‌پوشی هم نکنم.

یک روز عید بود و من باید به مادرم در آلمان تماس می‌گرفتم، ولی کارت تلفن من تمام شده بود. مجبور بودم به یک کافی نت بروم و از آنجا تماس بگیرم..... من میدونستم کمتر کافی نتی در روزهای عید و تعطیل باز هستن، اما بعد از گرفتن تلفن دوتا کافی نت از دوستم، خیالم راحت شد. جفتشون باز بودن اما تجریش به من نزدیکتر بود.

پس رفتم تجریش؛ خیلی خلوت و ساعت نزدیک شش بود. پسر جوانی در کافی نت بود که خیلی خوش برخورد بود. اسمش را نامی می‌گذارم. نمی‌خواهم از خودم تعریف کنم اما بیشتر پسرها مجذوب لبهای من می‌شوند. خلاصه رفتم پشت یکی از پارتیشن‌ها و او آمد و شماره منو ازم گرفت. کنارم نشست و مشغول شماره گرفتن شد. بوی ادکلنش را حس می‌کردم؛ بوی تیزی داشت که توی مغزم ایجاد اختلال می‌کرد و خیلی تأثیر می‌گذاشت. ازش پرسیدم که اسم ادکلنش چیه؟ و گفت **Image** که من تا حالا نشنیده بودم. بعدش یک آدامس تعارفم کرد. من که نمی‌خواستم از کنارم بره، در باره کار با اینترنت به سؤال گرفتمش. همانطور که حرف می‌زد، به لبهایم نگاه می‌کرد. بعد شماره مادرم را گرفت و من مشغول صحبت شدم. او هم برگشت سر کامپیوتر خودش. همانطوری که مشغول صحبت بودم، توی کامپیوتر را

میگشتم تا کمی عکس ببینم. بالاخره عکسهایی پیدا کردم اما اونها همه سوپر بودند، بدم نیومد نگاهشون کنم. بعد از پنج دقیقه احساس کردم که دیگه حواسم به مامان نیست، غرق اون عکسها شده بودم و بی اختیار شروع به لمس کردن خودم کردم. مواظب بودم که پسره از لای پارتیشن منو نبینه. هر کدوم از اون عکسها یک جوریم میکردند، تا اینکه دستمالی پستونام از رو لباسها بهم مزه نمی داد؛ یکی از دکمه هایم را باز کردم و دستم را بردم توی کمرستم و شروع به فشار دادن سینه هام کردم. بخاطر دوری راه، مادرم تغییر صدایم را تشخیص نمی داد، اما تقریباً مطمئن بودم که نامی اینو تشخیص داد بود. دستم را از کمرستم بیرون کشیدم و ایسادم. از نامی خواستم که اگه ممکنه یک دستمال کلینکس بهم بده - یعنی از ناراحتی و غصه صدام عوض شده- بعد نشستم و پاهایم را روی هم انداختم و آهسته دستم را در دامنم کردم. دیگه داشتم نفس نفس می زدم و شرم کاملاً خیس شده بود. تحمل نداشتم؛ از مادرم خداحافظی کردم. گوشی را گذاشتم و تکیه دادم و شروع کردم با انگشتم، لبهای دور کس ام را مالش دادن. چشمهایم را محکم بستم و به کارم ادامه دادم، اما بفاصله خیلی کمی ارگاسم شدم؛ لبهایم رو محکم با دندونم فشار میدادم که آه نکشم و بعد چشمم رو باز کردم. داشتم می ترکیدم، نامی با دستمال بالای سرم ایستاده بود. خشکم زد. هول کردم و دستم را از دامنم بیرون کشیدم، ولی دستم کاملاً خیس شده بود. سرمو انداختم پائین و خواستم بلند شوم. ولی نامی جلو من ایستاده بود. دستمال تعارفم کرد و گفت: این هم دستمال که خواسته بودی، اگه می دونستم برای اینکار می خواستی، زودتر می آوردم. داشت می خندید و من برآمدگی روی شلوارشو دیدم. حسابی راست کرده بود. تا دید که من به برآمدگی شلوارش خیره شده ام، دولا شد و دستمال را روی دست خیس من گذاشت و با دست دیگه بالای رونم رو مالید. قلبم به تاپ تاپ افتاد. بعد دو دستشو روی گردنم گذاشت و لباسو رو لبام قفل کرد. کاری نمی توانستم نکنم، جز اینکه به زبونش اجازه ورود بدم. با دست تمیزم، او را بطرف خودم کشیدم. او بالاخره بوسه طولانی رو قطع کرد هر چند که من میخواستم که این بوسه هوس انگیز و پر شرر همچنان ادامه داشته باشد، بخصوص که لبام تا آرنوز با چنین لبهای مردونه ای در تماس نبوده اند، حسابی داغ شده بودند. کس ام هم مرطوب بود و بدنم می لرزید. تحمل نداشتم و دوباره دستم را در دامنم کردم و کسم را به مالش گرفتم. او رفت طرف در و بیرون را نگاه کرد. برگشت بطرفم و به انگلیسی جمله زیبایی به من گفت که هنوز تو ذهنم مانده؛ با احساس عمیقی گفت:

" I am going to show you why I am The Game!"

و تلفن رو برداشت و شماره گیری کرد. ازم پرسید که چقدر وقت دارم. من هم فقط شونه خالی کردم. همانطوری که تلفنی حرف میزد، کامپیوترها را خاموش کرد. نامی بعد با شریکش حرف زد و گفت که تجریش خیلی خلوت است و مشتری در کار نیست و مغازه رو در پنج دقیقه خواهد بست. ساعت پنج دقیقه به هفت بود. ازم خواست که تا هفت صبر کنیم. من هنوز اون عقب نشسته بودم و او چراغها رو خاموش کرد و آمد پیشم و دوباره

بوسه‌ها را از سر گرفتیم.

از رفتارش معلوم بود که فیلم سوپر زیاد دیده، چون دستاش هم بیکار نبودند. من نمی‌خواستم گائیده بشم، چون هنوز دختر بودم اما از طرف دیگه نمی‌تونستم بی‌خیال این حال حشری‌ام باشم. کمر بندشو گرفتم. ولی او دستمو گرفت و گفت بریم! نمی‌دانستم که می‌خواهد کجا برویم، اما اصلاً برایم مهم نبود. کافی نت را مرتب کرد، خودمان را هم کمی مرتب کردیم و زدیم بیرون. یک تاکسی گرفتیم و به راه افتادیم. توی تاکسی، تو گوشش گفتم که من دخترم، ولی خودش زد به اون راه و گفت: من که نگفتم تو پسری!

دستشو گذاشت رو پام و مالید. من عشق می‌کردم که از لذت دادن به من لذت می‌بره. نمی‌دونم شاید داشت خرم می‌کردم!

وقتی به مقصد رسیدیم، پرسیدم اینجا کجاست، گفت خونه داداشش. خیلی ترسیدم و خواستم برگردم، ولی او دلداریم داد. رفتیم تو. رفت و یک مشروب آورد، اما رد کردم، بعد منو به داخل اتاق خواب برد و مانتمو درآورد، بعد گوشه‌های تی شرتمو گرفت و از سرم بیرون کشید. اول خجالت کشیدم که با دامن و کرست جلوی یک غریبه‌ام، اما او نشست پائین، کنار تخت و شرتم رو هم درآورد. خنده‌ای کرد و گفت که لبهام جگرشو سوزونده. من هم گفتم: حالا کجاشو دیدی! می‌خواستم هرچه بیشتر حشری‌اش کنم. تحمل نکرد و خوابید روم. من کرستمو در آوردم و او دامنم رو بالا زد. یارهنش رو در آوردم و بغلش کردم. دفعه اولم بود که بدن و سینه‌هام به تن به مرد می‌خورد، بی‌اختیار آهی از هوس کشیدم. او هم پستونام رو فشار داد و محکم و مصمم شروع کرد به مکیدن نک پستونام. سرم را عقب پرت کردم و خودم را مالیدم. او ول کن نبود. تا اینکه نوک داغ و قرمز شده سینه‌هام رو ول کرد و به جون اون یکی افتاد. رانهایم را میمالید، دستش رو گذاشت رو کس داغ و برشته‌ام. بی‌اختیار جیغ آهسته‌ای کشیدم. هوس و خوشی از تمام تنم بیرون میزد و عصب‌های حسی‌ام حسابی شاخک‌هایشان تیز شده بود. انگشتشو آروم کرد تو کسم. خیلی با تجربه بود. با دو انگشت لبهای بهشتی‌ام را از هم باز کرد و انگشت سومی را فرستاد اون تو. نزدیک بود از شدت حشری بودن، گریه کنم. بخصوص که با اون یکی دستش پستونامو می‌چلونند.

شستم خبردار بود که از این خونه باکره بیرون نمی‌رم. پس تصمیم گرفتم که تا نهایت ممکن لذت ببرم. داشتم از شدت هوس به ارگاسم نزدیک میشدم، ولی این دفعه با دفعات پیش خیلی فرق داشت، چون این دفعه خودم کاری نمی‌کردم. کمی سرعت مالیدنش رو کم کرد، اما ازش خواستم که تندتر انگشتم کنه، اما او بی‌خیال بود. شلوارشو کشید پائین، شرت هم پاش نبود. یک کاپوت از تو کمد درآورد. قلبم داشت بدجوری می‌زد. کیر نسبتاً بلند و کلفتی داشت که فکر کردم شاید نتونم تحملش کنم. اشاره کرد که برگردم. روی دست و پا گرار گرفتم، چند ثانیه صبر کردم کی یکمرتبه کیرشو رو دروازه‌ام حس کردم. نفس عمیقی کشیدم و چشمانم رو بستم که خودم

را آماده کرده باشم. سر کیرش رو کرد تو کسم و بعد دستاشو رو رونها و دور کمرم گذاشت و آهست و با مهارت، منو به عقب، بطرف خودش کشید طوری که کیرش به راحتی، سر خورد تو. احساس میکردم که کلفتی کیرش داره کناره‌های کسم را کش می‌ده. لبم را گاز گرفتم. اون لذتی که فکر میکردم باید به من دست بده، نداشتم. تا اینکه یواش و آروم آروم شروع کرد به عقب جلو رفتن. اوائلش بد نبود ولی بعدش احساس کمی درد داشتم. سرعتش را زیادتر کرد و من بدون اختیار شروع به ناله کردم. سرش را آورد جلو و در گوشم گفت که داره باهام حال میکنه و باز اون جمله انگلیسی رو تکرار کرد و بلافاصله محکم و با فشار زیادی کیرش را تا ته توی کسم زد. جیغ زدم و بالش را بغل کردم. مطمئن شدم که پرده‌ام پاره شده. نامی داشت با تیتیم بالایی منو می‌گائید. به اوج رسیده بودم و لذتی که کیرش به من داده بود را نعمت خدائی میدانستم. احساسم در باره کیرش عالی بود؛ ته کس‌ام بشدت داغ شده بود و می‌سوخت ولی اهمیت نمی‌دادم از بس که از کیر خوردن داشتم حساسی لذت می‌بردم. دیگه بصدا درآمده بودم و ازش می‌خواستم که باز هم محکمتر بکنه. از پشت سینه‌هامو توی دستاش گرفت و همین برام کافی بود که دیگه جیغ بکشم. و فهمیدم که تمام تنم به رعشه افتاد و به ارگاسم رسیدم. سرم را در بالش فرو کردم و هوار کشیدم. نامی هم بعد از چند ثانیه کیرشو در آورد. کاپوت رو کشید بیرون و آبش رو رو کمرم خالی کرد. خیلی داغ بود. از لای پاهام نگاه کردم، دیدم آب کسم همراه با کمی خون از گوشه رانهایم جاری بود. خودمو ول کردم رو تخت و چشمامو بستم. خیلی خسته بودم، می‌خواستم بخوابم. توی اون خستگی، نامی با یک دستمال لای پاها و دروازه‌ام را پاک کرد و بعد آروم ساعت رر بهم گفت. من باید می‌رفتم خونه. به زور بلند شدم. او هم کمکم کرد که لباسم را بپوشم. آژانس گرفت و با هم تا تجریش رفتیم، جایی که از هم برای بعد جدا شدیم.

۳- با فتیشیسم (بت‌واره پرستی) آشنا شویم

جنسیت با درونی‌ترین بخش ضمیر انسان عجین می‌باشد، بندرت میتوان فردی را پیدا کرد که از تمام جهات، حالات، روحیات، اخلاق، خصوصیات روحی- روانی، لذت بری، تاثیرپذیری از محیط اطراف و.... با فرد دیگری بطور صد در صد یکسان باشد. به همین دلیل، هر تلاشی برای کلیشه‌ای کردن گرایش‌های جنسی انسانها و محدود کردن مردم در یک چارچوب مشخص هم، خواه ناخواه، محکوم به شکست است، هر چند که فشار و محدودیتها، تاثیرات روحی- روانی بسیار بدی، از خود بجای میگذارد. صدها سال است که متخصصان و کارشناسان امور جنسی، در پی ترسیم این بخش بسیار پیچیده ضمیر انسانها، یعنی سکس، گرایش جنسی و سوژه‌های لذت دهی افراد اجتماع

بوده‌اند، اما با همه دستاوردهای مهمی که داشته‌اند، کماکان اندر خم یک کوچه‌اند. در نتیجه، ممکن است نوع خاصی از گرایش جنسی را نسبتاً یک امر غیر متعارف و ناهمگون با هنجارهای شناخته شده بدانند و حتی آن را یک امر روانی تلقی کنند، اما نه تنها گرایش این انسانها را با معیارهای اخلاقی و غیر اخلاقی نمی‌سنجند بلکه از حقوق اینگونه انسانها در "ناهمگون بودن"، "نامتعارف بودن" و "دگر بودن" هم دفاع میکنند، البته به شرطی که به چارچوب عمومی روابط جنسی، از جمله، عدم تجاوز، احترام به حد و مرز دیگری و انتخاب آگاهانه، پایبند باشند.

یکی از این موارد فetišیسم یا همان بت‌واره پرستی می‌باشد. فetiš یا بت‌واره پرست (صنم خواه؟) به کسی گفته می‌شود که از چیزی بیش از حد معمول لذت می‌برد، لذتی که خواستگاه جنسی و سکسی داشته باشد. یک بت‌واره پرست، معمولاً به یک شیئی یا قسمتی از بدن طرف جنسی خود بیش از هر چیزی تمایل شدید دارد. این مسئله هیچ ربطی به بخش دیگر گرایش جنسی فرد ندارد، یعنی یک فetiš می‌تواند همجنسگرا، غیر همجنسگرا و یا دوجنسگرا باشد، همچنین طرف می‌تواند یک مرد باشد یا یک زن.

فetiš‌ها به چند دسته تقسیم میشوند؛ مثلاً کسانی که شدیداً به پا علاقمند هستند. این افراد کسانی هستند که در یک رابطه جنسی، بجای پرداختن به هماغوشی و نوازش کل قسمتهای بدن طرف خود، قبل و بیش از هر چیز، به پاها و انگشتان پاهای طرف بها میدهند و تمام هم و غم خود را معطوف به آن می‌کنند. البته، لیسیدن پاهای طرف، بخشی از امر نوازش و مغازله و تحریک جنسی در اکثر روابط جنسی است اما برای یک بت‌واره پرست موضوع بسیار فراتر از اینهاست؛ لیسیدن پای طرف جنسی، یا زیر پای طرف خوابیدن آنچنان شهوت سکسی‌ای در اینگونه افراد ایجاد میکند، که از خود عمل دخول قسمت آلت‌های تناسلی هم برایشان بی‌شتر است و با همین کار به ارضا هم می‌رسند. انسانهای دارای چنین گرایشی، در واقع بجای لذت از طرف جنسی خود، با ساختن "بت قابل پرستش" از یکی از اعضای او و یا یک شیئی متعلق به او لذت می‌برند. بسیاری از شعرای قدیم ما، در اشعار خود، آنچنان توصیفات از معشوق/معشوقه خود و یا بتی لاهوتی از قسمتی از اندام او ساخته‌اند که در واقع همان "لیبیدوی" لذت طلب آنهاست.

تعدادی از فetiš‌های مرد که به جنس مخالف (زن) گرایش جنسی دارند، فetišیسم را بیشتر از این میدانند و بر این اعتقادند که اصلاً مسئله چیز دیگری است. یعنی در واقع آن را نیاز مرد به تحت تسلط و سیطره کامل زن در آمدن می‌دانند (زن سالاری؟) اما خیلی‌ها این را رد می‌کنند چرا که این مسائل به موضوع و عرصه گرایش دیگری وارد میشود که در زبان خارجی آن را رابطه **Master / Slave** می‌نامند و ما امیدواریم در آینده به این مسئله هم بپردازیم. ممکن است کسانی اینگونه افراد را دچار عدم تعادل روانی بدانند، اما یک چیز را نباید فراموش

کرد و آن اینکه، اگر این افراد بالغ هستند و طرف سکسی با علاقه یکسان برای خود پیدا کنند، نه حق کسی را ضایع کرده‌اند و نه به آزادی کسی آسیبی می‌رسانند، پس باید به حق فردی آنها احترام گذاشت که آنطور که خود می‌خواهند، لذت ببرند.

هر کسی می‌تواند به نسبت‌های متفاوت یک فetiš باشد؛ خود شما به سلیقه‌های خود دقت کنید و ببینید کدام بخش از بدن طرف، یا چه چیزی بیش از هر چیز دیگری، هیجان جنسی شما را عمیقاً دامن می‌زند.

نوع دیگر فetiš‌ها آنانی هستند که به شرت (استفاده شده) طرف چنین حساسیتی دارند، یا ممکن است به لباس چرم پوشیدن، یا موتورسیکلت، یا حساسیت جنسی داشته باشند. در این اواخر، در ایران، فetišِ پا پرستی، در بین جوانان، بخصوص در بین پسران، رواج زیادی پیدا کرده است. این دوستان، حتی اخیراً یک پایگاه بر روی شبکه برای خود و دیگر علاقمندان درست کرده‌اند.

متشکل شدن هر گروه و دسته‌ای از انسان‌ها حول نیاز جنسی خاص خود و حمایت از دیگر گروه‌های موازی قدم بسیار مهمی در شکستن سیطره فرهنگ سرکوبگر جنسی حاکم و شکل‌گیری فرهنگ برابری جنسی در کشور ماست.

این هم آدرس پایگاه ایرانیان فetišیست: (که گویا از نوع زن سالاران میباشد)

<http://groups.yahoo.com/group/iranianfemdoms>

۴- کس کردن در استانبول

برای انجام کاری به استانبول رفته بودم. باتوجه به کارم، چند شبی را باید در آن شهر می‌گذراندم. از یکی از دوستان آدرس هتلی را گرفته بودم که همه چیز در آن ردیف بود.

به استانبول که رسیدم، به هتل رفته، اتاقی گرفتم، وسایلم را در آن گذاشتم و برای رتق و فتق امور شخصی، به شهر رفتم. ساعت حدود هفت شب، به هتل برگشتم، در اتاقم دوشی گرفتم، لباس مرتبی پوشیدم و به تریای هتل رفتم. عده‌ای تکی و یا گروهی بصورت پراکنده در آنجا بودند. مشروبی گرفتم و در کنار میزی نشستم. لحظات خوبی داشتم، نه تشویش، نه اضطراب و نه عجله.

مشروبم را مزه مزه می‌کردم، با کنجاوی به اطرافم نظر می‌انداختم و خستگی کار بیرون را از تن بیرون می‌کردم.

دختر زیبایی در ته سالن نظرم را جلب کرد، دیدم دارد به من نگاه میکند، چندان دقت نکردم اما بعد از مدتی متوجه شدم که نه، گویا با علاقه هم نگاه میکند.

نگاه‌هایمان به هم خورد، بعد از چند نگاه کوتاه، بیشتر به هم خیره شدیم و بدن‌بال آن ابتدا لبخندهای کوتاه و مخفیانه و سپس چشمک‌های زیبا با هم رد و بدل کردیم.

صندلی خالی بغل دستی‌ام را بهش اشاره کردم، متوجه شد. لیوان مشروبش را برداشت

و با قدمهای آهسته، بطرفم آمد.

خود را روی صندلی انداخت و چیزی گفت که نفهمیدم، نه ترکی بود و نه فارسی. با انگلیسی دست و پا شکسته خودم، ازش پرسیدم که آیا انگلیسی بلد است؟ جواب داد که بله، ولی خیلی کم.

بهتر از هیچی، کمی از اینور و آنور حرف زدیم، از دست و اشاره و حالات سر و صورت هم به برای بیان منظور خود استفاده میکردیم.

دختری بود بسیار زیبا و دلریبا، اسمش لودا بود و اهل یکی از جمهوریهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی. خیلی هم با استیل بود، که نوعش را من قبلاً ندیده بودم. از مجموع نگاه و پیامهایی که با چشم رد و بدل میکردیم و نگاههای آنچنانی که به اندام همدیگر می انداختیم، جرات کردم، ازش بپرسم که آیا اهل سکس هست یا نه؟ گفت بله. دیگه از این بهتر نمی شد. گفتم، من میرم بالا، تو هم پشت سرم بیا. قبول کرد. رفتم به اتاقم و در اتاق را نیمه باز گذاشتم، چند لحظه بعد لودا هم وارد شد و در اتاق را پشت سر خودش بست.

آمد و رو تخت کنارم نشست. باز هم کمی حرف زدیم، خواهش از سر و کول هر دوی ما می بارید، اینه که اصلاً نفهمیدم چطور شد که لب به لب شدیم. هی لب میگرفتیم و حال میکردیم و هی لباسهای خودمان را یکی یکی در می آوردیم. لخت که شدیم، روی تخت دراز کشید، دستم رو بردم رو سینه هاش، عجو سفت بودن، آدم کیف میکنه که دستش به همچی پستونایی برسه.

از پستونها شروع به لیسیدن کردم و راهم را به سمت پائین ادامه دادم، باورم نمی شد که بدن به این زیبایی جولانگاه زبانم باشد. هیچ عجله نمی کردم، میخواستم از این زیبایی و خوشی تا آنجا که میتوانستم لذت ببرم و لذت دهد.

به دروازه بهشتی اش رسیدم، چه کس با حالی، کس نگو، بگو بهشت روح و جان. چه شهدی از چشمه اش بیرون می زد، با مزه ای بهتر از عسل. آدم به کیر خودش هم حسودی اش میشود که وارد چنین جای فرحبخشی شود. کس این حوری آنچنان زیبا بود که هر چه بگویم، کم گفته ام. سعی کردم تمام هنر کس لیزی را در نوک زبانم جمع کرده و نثارش کنم. نمی دانم تا چه مدت لیسیدم، تا اینکه یکهو گفت، بسه دیگه !بلند شد، مرا به کمر روی تخت خواباند و خودش آمد بالا. گویا میخواست تلافی کند. از فرق سر و گوشه ایم شروع کرد به لیسیدن و راهش را به پائین ادامه داد، مکث کوتاهی روی کیرم کرد، اما توقف نکرد و راهش را ادامه داد تا نه نوک پاهایم رسید. انگشتانم پایم را لیسید، بعد بلند شد و ایستاد، پای راستم را بلند کرد و روی دروازه اش گذاشت، بعد انگشت شست پایم را با مهارت خاصی توی خودش، توی خال آن کس زیبا فرو کرد، سرش را به پشت داد و با دست خودش را با کمک انگشت شستم، انگشت میکرد.

این را دیگه ندیده و نشنیده بود. تمام هیكل رعنايش با آن حرکتهایش، دیوانه‌ام می‌کرد، گویا خواب میدیدم، باورم نمی‌شد. زمین و زمان را فراموشم شده بود. چه مهارتی داشت، چه هنرمندی بود این فرشته زمینی. دلم میخواست تمام جان و تن و وجودم در همان انگشت پایم خلاصه میشد که در آن بهشت درگاهش فرو میرفت.، میخواستم در چنین بهشت پر شهدی برای همیشه گم شوم.

بعدش آمد و با شکم رو تخت خوابید، بالش را کشید و زیر شکمش جا داد و باسنش را کمی رو به بالا، به عقب هل داد. فهمیدم که چه می‌خواهد؛ کاپوتی به کیرم زد، از پشت بهش نزدیک شدم، با دو دست، دور آن حلقه کمر باریکش را گرفتم و کمی بالاتر کشیدم. کس زیبایش خیس و خندان، بیرون زد. کیرم را یواش روی دروازه‌اش گذاشتم و با احتیاط و فشار یکنواخت فرستادمش آن تو.....

درس‌م را خوب میدانستم، برای اینکه آیم نیاید، با دست راستم، ته کیرم که بیرون مانده بود، را گرفتم، حرکاتم را متوقف کردم و فشار محکمی به کیرم دادم که از آمدن آیم جلوگیری کند و بعد دوباره شروع کردم. چه کس‌ای، چه لذتی. کیرم داشت خفه می‌شد. باز هم مهارتش را بکار انداخت؛ جوری که ماهیچه‌های کسش را به هم فشار میداد که کیرم را هر چه تنگتر در آغوش خودش جای دهد، چیزهایی هم به زبان خودش می‌گفت که نمی‌فهمیدم، اما لحن صدایش حاکی از لذتش بود. دیگه نتوانستم، خودم را کنترل کنم و حس کردم که آیم با فشار دارد بیرون می‌زند؛ کیرم را سریع بیرون کشیدم، کاپوت را به گوشه‌ای پرت کردم که دیدم برگشت و رو کمر خوابید. کیرم را لای پستانهای خودش پوشاند، طوری که آیم روی سر و صورت و سینه‌اش پخش شد. آب منی‌ام را به تمام تن خودش مالید و بعدش با بوسه نازی از لبانم، سراغ حمام را گرفت.

۵- کیر- این تیکه گوشت عزیز

من دختری ۲۷ ساله هستم. توی زندگی سکس داشته‌ام و آنقدرها هم گرسنه نیستم، اما یک تصور و فانتزی دارم که منو دیوونه میکنه و اون هم اینه که من علاقه شدیدی به سکس با دو مرد بطور همزمان دارم. این احساس منه و می‌خوام اینو بصورت یه فانتزی براتون تعریف کنم:

والله، جوووووون، هیچ حسی عزیزتر از لمس سر نرم و لطیف یه کیر داغ و گنده نیست، کیری که حسابی شق کرده و تو دلت می‌خواد اونو به همه جای بدنت بمالونی و اون مایع گرم و لزجش رو روی پوستت حس کنی. وای که چقدر باحاله اگه از این آلت عزیز، دوتاش دم دستم باشن. یکیش رو میبرم تو دهنم، تا جایی که بخوره تو لوزه‌هام و حال عق بهم دس بده و با اون یکی هم هی ور میرم، اصلاً هی تو دستم

باشه و فشارش بدم.
صاحب اون آلت بهتر از جان (که تو دهنمه) آه و ناله‌اش دربیاد و منو دیوونه کنه، حالا تازه اول کاره، کیر دومی رو با دست خودم، میفرستم تو کسم! وای چه حس عزیزیه؛ دوتا کیر داغ و قبراق تو تنم جا گرفتن و اشباع ام میکنن.
صاحب اونیه که تو دهنم هست، هی باید آه و ناله کنه تا بیشتر تحریک بشم، و اونیه که تو کسم است باید اونقدر با فشار کیر داغشو تو عمق کسم بزنه که هن هن ام بلند شه و حس کنم که لای پاهام داره جر میخوره.
الان که اینا رو برای چاپ تو سه کاف و برا شما خواننده‌ها مینویسم، تنها آرزوم اینه که یه همچی سکسی می‌داشتم، مکیدن و تلمبه خوردن، جووووون، کس آدم رو حال میاره.
خداوند چه خلقتی داره که با ساختن یه همچی تیکه گوشتی عزیزیه، اینهمه لذت رو به یه زن عطا کرده.

۶- مذهب / ناموس و کج فکری ما

از ن. ک.

نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم و قد موالا نفسکم واتقوا الله و اعلمو انکم ملاقوه و بشر المؤمنین. (زنان شما کشتزار شمایند، پس در آئید به کشتزار خود هر جا که خواستید) - قرآن کریم-سوره البقره- آیه ۲۲۲.
این دیگر عادت اکثر ما شده که بنشینیم و ژست‌های روشنفکرانه بگیریم و خودمان را دردمند مردم جلوه دهیم و بگوئیم که " آه جامعه ما را درک نمی‌کند" و وقتی کسی به دین و مذهب و خدا انتقاد می‌کند، سریع رگ‌های گردنمان بیرون می‌زند و می‌گوئیم که " چه ربطی داره؟"
یکی از اصلی‌ترین محورهایی که سکس را در یک جامعه تبدیل به یک تابو و منطقه ممنوعه می‌کند، نوع نگرش جامعه به نیاز جنسی و بطور خاص نوع نگرش جامعه به جنس زن است. دیدگاه جامعه به زن در میزان آزادی زن در جامعه نمود پیدا می‌کند. به این دیدگاه‌ها عموماً به شکل هنجار دیده میشود، اما نباید فراموش کنیم که هنجارهای موجود در جامعه اکثرأ توسط حاکمان (که تاریخاً در ایران مذهبی بوده‌اند) تحمیل شده است. اسلام بعنوان یک دین نشانه کامل و بارز مردسالاری، نابرابری و زن ستیزی به بدترین شکل ممکن است. در اسلام، میل جنسی زن، میلی زشت و پلید شمرده میشود و زن باید آن را تا آنجا که میتواند سرکوب کند.
برای اینکه بحث روشنتر شود، ابتدا باید توضیح کوچکی بدهم؛ مثلاً اگر به کسی بگوئید " بی ناموس یا بی غیرت" طرف مقابل قرمز میشود و شروع میکند به فحش دادن و مشکل

اینجاست که این آدم بیچاره هنوز معنای این مفاهیم را نمی‌داند. ناموس به این معناست که زن "ملک شخصی مرد" و "کشتزار مرد" است. طبق نص صریح قرآن زن بمنزله‌ی "سطل آشغالی" است که مرد هر جا و هر زمان اراده کرد، میتواند آشغال خود را در سطل آشغال بریزد.

می‌بینید که در مذهب، نیمی از جامعه (زنان) به منزله‌ی سوژه‌های جنسی و وسیله‌ی ارضای مرد می‌باشند و هیچگونه نگاه انسانی به زنان نمی‌شود. فرد با غیرت اغلب انسان خشنی است که بزرگترین افتخارش این است که "ترتیب خیلی از دخترها را داده" و هیچکس حق ندارد به خواهر آن آقای با غیرت نگاه کند..... و بطور کلی این فرهنگ در جامعه ما جا نیفتاده که "زن" به جای اینکه خواهر، مادر و ناموس کسی باشد، خود یک انسان مستقل، آزاد و برابر با مرد است.

چه بخواهیم بپذیریم و چه نخواهیم، این دردی است که جامعه ما در بر دارد و این یکی از دست‌آوردهای مذهب در جامعه است و از آنجائیکه اساس مذهب بر نابرابری است، به همین جهت هیچگاه در آن رابطه جنسی دوطرفه، آگاهانه و از همه مهمتر از روی اختیار آن تعریف نشده، بلکه با تمام قوا با آن مبارزه شده است.

رابطه جنسی حق انکار ناپذیر هر انسان است و نیازی است که باید ارضا شود، اما مذهب این نیاز را تعبیر میکند و آن را "حیوانی" میداند ولی نیاز به آب و غذا و اکسیژن و عشق به فرزند و تلاش برای زنده ماندن و..... بین انسان و حیوان مشترک هستند ولی نمی‌توان گفت که چون اینها حیوانی هستند، پس بد هستند.

دوستان سه‌کافی من، تعصب عاری از تعقل است. پس بیایید غیرت و تعصب را کنار بگذاریم و کمی صادقانه‌تر، عقلی‌تر و منطقی‌تر به قضایا نگاه کنیم. اولین گام در جهت ترویج فرهنگ صحیح جنسی، مذهب و اسطوره‌زدایی از سکس است.

البته مذهب میتواند بخش خصوصی زندگی هر فرد باشد و هر کسی میتواند هر مذهبی را که دوست دارد، داشته باشد یا اصلاً مذهبی نداشته باشد، ولی همانطور که جدایی مذهب از سیاست را به عنوان یک اصل می‌پذیریم، همگی این بند را هم به این اصل اضافه کنیم که دست مذهب را از زندگی جنسی خود کوتاه کنیم. ما همگی لیاقت و توان این را داریم که یک رابطه جنسی برابر، انسانی و همراه با فهم متقابل داشته باشیم.

۷- نقش پلیس در جامعه ما

من در مدرسه دخترانه تیزهوشان شیراز درس می‌خوانم. هفته پیش قرار بود آقای دکتر خدا دوست دکتر چشم معروف، در مدرسه پسرهای تیزهوش که مدرسه‌اشان رو بروی مدرسه ما است، سخنرانی داشته باشند. (اینکار از کارهای مدید خوب دبیرستانشان بود که هر چند روز یکی از استادان معروف را برای سخنرانی دعوت

می کند) خلاصه پدر یکی از بچه‌ها هم بعنوان یکی از دکترهای چشم سپاه جمهوری اسلامی قرار بود از سابقه ایشان برای ما بگویند. پسر این دکتر که یکسال از من بزرگتر است با دو نفر از دوستانش به بیرون مدرسه می‌روند و در یک کوچه یک دفعه پلیس جمهوری اسلامی جلو آنها را می‌گیرد و از پسه می‌پرسند که این دخترها برای چی میرن تو مدرسه شما؟ چرا یقه شما باز است؟ و از این سئوالات. او هم چون پدرش دکتر سپاه بود و نفسش از جای گرمی بلند می‌شده، جواب می‌ده که به شما چی ؟؟؟؟؟!!!!!!

اون پلیس بی‌شعور هم از موتورش زود پیاده میشه و چون فکر کرده بود که تو مدرسه پسرها پارتی است، او را می‌گیرد زیر مشت و لگد.... اونم می‌گه الان میرم به بابام می‌گم که بیاد خوار تو بگامه.

پلیس هم پسر رو تعقیب میکنه و تا مدرسه دنبالش می‌دوه و اونو میگیره. دو دوست دیگش زود میرن تو مدرسه و به پدر خبر میدن. اون هم زود سوار ماشینش میشه و جلوی در مدرسه، ماشین پلیس رو میبینه. جلوشون می‌پیچد و اونا رو متوقف میکنه و بچه خودشو از تو ماشین پلیس درمیاره. حالا یکی از پلیس‌ها بچه رو تو ماشین میکشه و یکی دیگه خود باباه رو با فشار میخواد تو ماشین پلیس بچپونه. یه مافوق سرباز هم اون وسط هرچی می‌گه بابا ول کنین، اون پلیس احمق می‌گه نه، این به من فحش داده. بابای پسر هم به مافوقه می‌گه میگفت تو رو بگو که پلیس ات ازت حرف شنوی نداره!... و این کار تا آمدن مدیر و معاونان مدرسه ادامه داشت تا بالاخره قضیه تمام شد. بعدش هم بابای پسر یه شکایت تنظیم کرد و به ما داد که امضا کنیم.

میخوام بگم که در جامعه امروز ما، پلیس دیگه وسیله‌ای برای ایجاد امنیت نیست، بلکه فقط وسیله‌ای برای ایجاد رعب و وحشت بین مردم شده، که به اونها ثابت کنه که هنوز پلیسی هست تا جلوی شورش جوونا رو بگیره.

پلیس‌ها اول مجازات را اعمال میکنن و بعد در مورد کاری که کرده‌اند، فکر میکنند. ما تیزهوشان هم اسم‌مان بد در رفته. فکر می‌کنند ما چندتا بچه‌ی خرخون هستیم که فقط سرمان داخل کتاب و جزوه است. دیگه گذشت امثال دکتر خدادوست و... ما هم تغییر کرده‌ایم.... بچه‌های تیزهوش حالا بچه‌هایی با طرز فکر متفاوت.... آیا به نظر شما خواننده محترم، ما شایسته چنین رفتاری هستیم؟

از دوستانی که در فکر ارسال سئوالات خود در رابطه با مسائل جنسی هستند، خواهش

می‌کنیم، قبل از آن، تمام سئوال و جوابهای چاپ شده در شماره‌های مختلف سه کاف را بخوانند. اگر جواب خود را پیدا نکردند، آنوقت سئوال خود را ارسال کنند.

۸- سئوال و جواب مسائل جنسی

ابتدا تذکر از طرف یک خواننده:

- من دانشجوی پزشکی هستم و در زمینه ایدز هم کار کرده‌ام، چندتا نکته راجع به مطالبی که شما در سه کاف درباره ایدز نوشته‌اید و کاملاً غلط بود، را اصلاح کنم.
- ۱- شما نوشته بودید که ایدز را سازمان انتقال خون (ایران) بعد از سه ماه صد در صد تشخیص میدهد، این کاملاً اشتباه است. اچ.آی.وی را میشود به چند روش تشخیص داد، روشی که سازمان انتقال خون بکار میبره **ELISA** نام داره. تو این روش بطور معمول بین دو هفته تا شش ماه پس از ورود این ویروس به بدن، ممکنه که نتواند ویروس را نشان دهد، و حتی در مواردی تا ۱۸ ماه هم جواب غلط بده، یعنی ویروس را در خون فرد آلوده نشان ندهد. پس لطفاً به مردم نگوئید اگر تا سه ماه جواب منفی بود، دیگ سالم هستید و اچ.آی.وی ندارید. اگه نمی‌گوئید ۱۸ ماه، حداقل شش ماه که یک مدت معمولی است را عنوان کنید.
- ۲- در ایران کسانی که به ویروس اچ.آی.وی آلوده هستند، را میشود با دارو تا آخر عمر زنده نگه داشت، یعنی با دارو می‌توانند یک زندگی و طول عمر نرمال داشته باشند، پس به افراد آلوده بگوئید که حتماً برای درمان مراجعه کنند، تا بتوانند زنده بمانند. البته در مدت زندگی، ایهن افراد همچنان ناقل ویروس خواهند بود.
- ۳- متأسفانه، شما در شماره ۲۲ نوشته بودید که کسی که به آلوده بودن خودش شک دارد، برود و خون بدهد تا آزمایش بشود و..... این طرز فکر فوق‌العاده اشتباه است که حتی برخی از مسئولان کشوری هم دارند، چون با اینکار ممکن است که دستگاه کنترل نتواند ویروس را تشخیص دهد و خون فرد آلوده، را سازمان بگه دارد و به یک فرد بیمار بدهد که آن بیمار بیچاره، الکی الکی به ویروس اچ.آی.وی. آلوده خواهد شد.
- پس مهم است که کسانی که حتی به آلوده بودن خودشان شک دارند، نروند خون بدهند چون جان خیلی‌ها را به خطر می‌اندازند. حالا شاید کسانی بپرسند که خوب پس چاره چیست؟ راه حل ساده هست. میتوان به سازمان انتقال خون مراجعه کرد و بصورت مجانی ی ساوره بگیرید و آزمایش ویروس اچ.آی.وی بدهید و نیازی به خون دادن نیست، یعنی میتوانید فقط آزمایش بدهید. اگر مرکز انتقال کون در جایی این امکان را نداشت، یک آزمایش ایدز، دوهزار تومان هزینه دارد. هر کسی باید مسئولیت اجتماعی

احساس کند و برود آزمایش بدهد. این خیلی بهتر از این است که صدها نفر دیگر را آلوده کنیم. اگر هم کسی مشکل مالی برای آزمایش خون داشت، با شما (سه کاف) تماس بگیرد و شما آدرس ایشان را به من بدهید تا مشکل آنها را حل کنم.

سؤال ۱- می‌خواستم بدانم که اگر کیر آدم، سرش جوشهای قرمز بزند و در حالت جلق زدن این جوشها شروع به سوزش کنند، این به معنای سوزاک داشتن طرف است؟
جواب: علائم سوزاک شامل ترشحات چرکی زرد متمایل به قهوه‌ای است. سر آلت می‌تواند مقداری قرمز و متورم باشد. لبه‌های سوراخ ادراد نیز متورم و برجسته است. وجود جوش در سر آلت علامت سوزاک نیست، ضمن آنکه سوزاک از راه تماس جنسی منتقل می‌شود. در عین حال برای بررسی و معاینه این جوشها، از نظر سایر بیماریها به پزشک متخصص ارولژی مراجعه نمائید.

سؤال ۲- چگونه میتوان باکره بودن دختری را تشخیص داد؟ (البته بدون مراجعه به پزشک).

جواب: تشخیص باکره بودن بعضی وقتها (در بعضی افراد) با مشاهده پرده بکارت در عمق ۲/۵ سانتیمتری از سطح لبهای بزرگ مهبل قابل انجام است. اما پرده بکارت دارای اشکال متنوعی است که ممکن است تشخیص سالم بودن آنها برای افراد غیر متخصص مشکل کند، بنابراین در صورت شک به پزشک مراجعه نمائید.

سؤال ۳- سر سینه راست من از حالت عادی خارج شده و با سینه چپ خیلی فرق دارد. لطفا در اینباره توضیح دهید.
جواب: تغییرات ظاهری در پستان که یکطرفه باشد، نیازمند بررسی پزشک است. بنابراین هرچه زودتر به یک پزشک متخصص جراحی و یا زنان مراجعه کنید.

سؤال ۴- آب منی من مثل توی فیلمها سفید رنگ نیست، بلکه بیشتر زرد رنگ است. آیا من بیمار هستم؟
جواب: رنگ آب منی میتواند بین سفید تا زرد کرمی متفاوت باشد. زرد بودن رنگ آن کاملاً نرمال است.

سؤال ۵- من قبلاً روزی دوبار جلق می‌زدم. در یکسال اخیر خیلی کمتر می‌زنم، مثلاً

هفته‌ای یکبار، اما با هربار جلق زدن دستم شروع به لرزش می‌کند و احساس کمردرد دارم، چرا؟

جواب: جلق زدن عارضه خاصی تولید نمی‌کند ولی این در صورتی است که از میزان قابل تحمل بدن فراتر نرود. این میزان در افراد مختلف متفاوت است. زیاده روی در هر عمل فیزیولوژیک و طبیعی بدن، از جمله فعالیت‌های جنسی، باعث ایجاد عوارض می‌شود. به شما پیشنهاد می‌شود که از غذاهای مقوی و گرم بیشتر استفاده کنید و در صورتی که هنوز مشکلاتان ادامه داشته باشد، به پزشک مراجعه کنید.

سؤال ۶ - آیا اینکه می‌گویند با جلق زدن کسی خواجه می‌شود، درست است؟
خواجه بودن یعنی چه؟
جواب: خیر، با جلق کسی خواجه نمی‌شود. خواجهگی یعنی ناتوانی در باروری.

سؤال ۷ - من یک پسر ۱۶ ساله هستم و کیرم تقریباً کوچک است. می‌خواستم بپرسم که آیا هنوز امکان بزرگ شدن کیرم هست یا نه؟ تا چه زمان و سنی کیر آدم رشد می‌کند؟
جواب: آلت تناسلی همراه با شروع بلوغ شروع به رشد می‌کند و بنا بر این رشدی که در سنین بلوغ در افراد ایجاد می‌شود، بستگی به آن دارد که در چه مرحله‌ای از بلوغ باشند. شروع بلوغ هم در افراد مختلف متفاوت است و جایی برای نگرانی نیست، همچنین اندازه آلت (کیر) در سن بلوغ در افراد مختلف متفاوت است و در صورتی میتوان نگران بود که کوچکی آلت بحدی باشد که باعث اختلال در نزدیکی یا باروری شود. در اینصورت با مراجعه به پزشک و تشخیص پزشک می‌توان با درمانهای هورمونی خاص باعث رشد بیشتر شد.

سؤال ۸ - من دختری هستم که از بچگی با پسرها قاطی بوده‌ام و هیچ مشکلی هم با آنها ندارم ولی نه مثل آنها حشری میشوم و نه از سکس با پسران لذت می‌برم، چرا؟
جواب: به نظر می‌آید که مشکل شما بیشتر جنبه روانشناختی داشته باشد. در عین حال اختلالات کروموزومی یا هورمونی نیز میتوانند باعث اختلال در این امر شود. با مراجعه به یک روانشناس این اختلال قابل درمان است. به تفاوت جنسیت و شکل بروز حالات آن در زنان و مردان هم باید توجه داشت.

سؤال ۹ - آیا جلق زدن باعث ضعف چشم و یا سیاهی دور چشم می‌شود؟
عارضه‌ای ندارد.

جواب: خیر. جلق زدن در صورتی که بیش از حد متعادل نباشد (بسته به نیروی بدن).

سؤال ۱۰- موقع نزدیکی و سکس، چه حرفهای تحریک کننده‌ای میتوان به یک پسر زد که بیشتر تحریک شود؟

جواب: پرده گوش (شنوائی) یکی از مراکز حساس انسان بخصوص در مواقع سکس است بخصوص که شنیدن یک سری کلمات و حرفهای تحریک کننده، مستقیماً روی مغز تاثیر دارد، اما این نسبت در افراد مختلف متفاوت است.

یکعده از افراد از شنیدن حرفهای سکسی و هیجان آور در مواقع نزدیکی جنسی بسیار حساس هستند و بیشتر تحریک جنسی میشوند، یک عده هم کمتر. اینکه چه حرفهای سکسی و حشری کننده به همدیگر بگوئیم، این هم متفاوت است. یکی دوست دارد، حرفهای عاشقانه (عزیزم، دوستت دارم و... تو چقدر زیبا هستی و... بشنود، یکی دوست دارد از قسمتهای مختلف بدنش (زیبایی صورت، اندازه و شکل آلت تناسلی اش و...) تعریف شود، یکی دوست دارد، حرفهای " رکیک" بشنود (می کنمت، کیر تو می خورم، منو بکن، و...) همانطور که قبلاً هم گفته‌ایم، بهترین کار صحبت با همدیگر و یا استفاده از روش تجربه و خطا می باشد که بمرور متوجه میشوید طرفتان از چه چیزی خوشش می آید.

سؤال ۱۱ - میگویند هر قطره آب منی، برابر با ۱۶ قطره خون است، چرا شما میگوئید که جلق زدن ضرر ندارد؟

جواب: جلق زدن عملی است که نیروی جسمی و روانی نسبتاً زیادی از انسان می گیرد، بنابراین برای جبران نیروی جسمانی از دست رفته باید انرژی کافی به بدن بازگردد. این کار با مصرف غذاهای هرم و مقوی میسر است. اگر انرژی و نیروی از دست رفته در اثر فعالیت جنسی و خروج منی، از طریق غذاهای مقوی به بدن باز گردانده نشود، عوارض اجتناب ناپذیر خواهد داشت. لازم به تذکر است که هر عملی در حد متناسب و متعادل برای بدن قابل تحمل است و زیاده روی در هر کاری باعث ضرر خواهد بود.

سؤال ۱۲ - وقتی آب منی از کیرم خارج میشود، یک چیزهایی در آن است مثل دانه و یا رشته‌هایی به رنگ زرد کم رنگ. آیا این طبیعی است؟

جواب: منی، چند دقیقه بعد از خروج از بدن منعقد میشود که ممکن است حالت رشته در آن دیده شود. اما وجود چیزهای دانه مانند غیر طبیعی است. بهتر است با یک پزشک متخصص ارولژی مشورت کنید.

سؤال ۱۳ - آیا جراحی ترمیم پرده بکارت عوارض جنبی دارد؟ به چه دکتری برای ترمیم پرده باید مراجعه کرد؟

جواب: بطور کلی بافت پرده بکارت بدلیل نداشتن عروق خونی غنی، قدرت ترمیم ندارد و با خروج نخ بخیه از بافت پرده یا پوسیدن این نخ، شکاف پرده مجدداً باز می‌شود. البته گاهی از مخاط واژن برای ترمیم استفاده می‌شود. از نظر قانونی ترمیم در صورتی قابل انجام است که پرده در تصادفات و سوانح آسیب دیده باشد و یا پرده بکارت دارای ناهنجاری برای اقدامات درمانی. در غیر اینصورت ترمیم پرده جرم محسوب میشود. در صورتیکه قصد انجام قانونی این کار را دارید به پزشک متخصص زنان مراجعه نمایید. البته با توجه به اهمیت پرده بکارت در فرهنگ جامعه و با توجه به تعداد زیاد متقاضیان، هستند پزشکانی که خارج از چارچوبی که قانون تعیین کرده، هم عمل میکنند.

سؤال ۱۴ - چند سال پیش با دوست پسرم سکس لاپایی داشتیم، اما یکبار که از پشت لاپایی میکرد، یکهو کیرش رفت توی کس‌ام. البته نه زیاد. بعد که به خانه رفتم، یک آبی به رنگ قرمز کم رنگ (روشن) از کسم بیرون می‌آمد. در ضمن موقع ادرار هم کمی درد داشتم و هم سوزش. آیا هنوز من باکرده هستم؟

جواب: با توجه به توضیحاتان، باکره بودن شما تنها با معاینه قابل تائید است و برای اینکار به پزشک زنان مراجعه نمایید.

سؤال ۱۵ - من مدتی است که هر وقت حشری می‌شوم، تو کوچها راه می‌افتم و سر یک کوچه خلوت کمین می‌کنم تا یک زن یا دختری از راه برسه و سریع کیرم که همیشه راست است را درمی‌آورم و جلو طرف جلق می‌زنم. بعدش هم خیلی پشیمان می‌شوم. آخه من نه پول دارم، نه ماشین و نه جا، تا مرز خودکشی هم رفته‌ام. آخه ما جوونای ایرانی چه خاکی بسر کنیم.

جواب: راه افتادن تو کوچها و جلو دیگران جلق زدن کار صحیحی نیست. به این دلیل که شما به زن یا دختری که در حال عبور است، حق انتخاب نمی‌دهید، شاید طرف دوست ندارد جلق زدن کسی را ببیند؟ علت پشیمانی شما بعد از عمل هم این است که در ضمیر خودتان، خبر دارید که این کار درست نیست.

اینکه جوونهای ایرانی چه خاکی بسر کنند، خودشان باید بفکر بیفتند و برای تغییر این شرایط تلاش کنند. مشکل دوتااست یکی فرهنگ ما در باره مسائل جنسی در کل و دیگری

حکومتی که شدیداً با مسائل جنسی سر آشتی ندارد، پس، گر تو نمی‌پسندی، تغییر ده (هم فرهنگ و هم حکومت را). با خودکشی، شما هیچ مشکلی را حل نمی‌کنید و در واقع گذاشته‌اید که مشکلات شما را از پای درآورند، درحالی که ما باید با مشکلات در بیفتیم و بر آنها غلبه کنیم.

سؤال ۱۶ - بیضه‌های من در تماس با لباسهای خیلی حساسند و درد می‌گیرند، چکار کنم؟

جواب: حساسیت بیضه‌ها ممکن است در اثر بیماریهایی که باعث التهاب بیضه می‌شوند و یا در اثر واریکوسول (واریسی شدن عروق بیضه) باشد. در ضمن گاهی وقتها پوشیدن لباسهای خیلی تنگ هم باعث میشود که به بیضه‌ها فشار وارد شود. برای اطمینان از سلامت خود به پزشک مراجعه نمائید.

سؤال ۱۷ - می‌خواستم بپرسم کسی که سوزاک یا هر بیماری مقاربتی دیگر داشته باشد، باید به چه دکتری مراجعه کند؟

جواب: برای درمان بیماریهای مقاربتی از جمله سوزال به پزشک متخصص ارولوژی (ادراری - تناسلی) مراجعه کنید.

سؤال ۱۸ - آیا آب زلالی که قبل از منی از کیر خارج میشود، باعث آبستن شدن زن میشود؟

جواب: خیر. این ترشحات حاوی اسپرم نیستند و باعث باروری نمی‌شوند. وظیفه این ترشحات لغزنده کردن مجر و ایجاد PH مناسب برای اسپرم است، اما این ترشحات می‌توانند باعث انتقال بیماریهای مقاربتی شوند.

سؤال ۱۹ - زمان پریود من هر دو ماه یکبار است. آیا این طبیعی است؟

جواب: بطور طبیعی هر دوره پریود ۲۱ تا ۳۵ روز می‌تواند طول بکشد، البته در ماههای آغازین بلوغ نظم وجود ندارد و مدتی طول می‌کشد تا پریودها منظم شوند. شما در صورتیکه در ابتدای بلوغ نیستید، برای بررسی بیشتر به پزشک متخصص زنان مراجعه کنید.

سؤال ۲۰ - چند سال قبل ضربه شدیدی به تخم خورد که تا یکماهگی شدیداً درد داشت، بعد از آن تخم آسیب دیده من خیلی بزرگ شده، آتا راه حلی هست؟ آیا مشکل بزرگی تخم

در آینده برایم مشکل ساز خواهد بود؟

جواب: در اثر ضربه ممکن است داخل بیضه التهاب ایجاد شده و بیضه متورم و دردناک شود. در اینصورت باید برای بررسی به پزشک متخصص ارولوژی مراجعه کنید.

سؤال ۲۱ - دوست دخترم میکبید که پرده اش حلقوی است و گویا اینگونه پرده ها فقط هنگام اولین زایمان زن پاره میشوند. لطفاً در اینباره توضیح دهید.
جواب: پرده بکارت بطور طبیعی می تواند به اشکال مختلف از جمله حلقوی، غربالی، پل دار، صلیبی و..... باشد. نوع حلقوی شایعترین نوع است و با انجام مقاربت، معمولاً چند پاره گی ایجاد می شود. اگر سوراخ پرده چیندار و نسبتاً گشاد و شل یا جنس آن ارتجاعی باشد، ممکن است هنگام نزدیکی جنسی، پارگی و خونریزی نداشته باشد، در غیر اینصورت با اولین مقاربت در لبه پرده پاره گی یا خراشیدگی یا برگستگی ایجاد می شود.

سؤال ۲۲ - چه غذاهایی برای بیشتر کردن قوه جنسی و همینطور بهتر کردن کیفیت اسپرم خوب هستند؟
جواب: غذاهای با طبع گرم و پر انرژی و غنی از ویتامین و پروتئین توصیه میشوند.

سؤال ۲۳ - آیا دارویی برای رفع سرد مزاجی زنان وجود دارد؟
جواب: سردمزاجی می تواند عل جسمی یا روانی مانند افسردگی و..... داشته باشد. برای تجویز دارو به پزشک متخصص زنان مراجعه کنید.

سؤال ۲۴ - چه جوری میشه پسری یا دختری رو حشری کرد؟
جواب: برای اینکار نمی توان یک نسخه ثابت و مشخص پیچید. انسانها متفاوت هستند. اگر شما تمام مقالات و سؤال و جوابهای چاپ شده در سه کاف را بخوانید، به یک شناخت نسبی خواهید رسید. همچنین داستانهای چاپ شده، علاوه بر جنبه حشری کردن، کلی تجربه دیگران را هم با شما قسمت می کنند و از این نظر آموزشی هستند.

سؤال ۲۵ - دوست پسرم دوست داره که ما از راه کون سکس داشته باشیم، یکبار به او اجازه دادم اما آنقدر درد کشیدم که تا سه چهار روز نمی توانستم روی کمرم بخوابم. حالا هر وقت چنین تقاضایی از من میکند، رد میکنم، اما دوست ندارم او را برنجانم.

شما میگوئید که چه کنم.

جواب: سکس از راه کون، خود به کلی مقدمات نیاز دارد که ما در شماره‌های قبل توضیح داده‌ایم، تحریک، آماده کردن طرف، استفاده از مایعات لزج کننده، استفاده از کاپوت و..... اما مهمترین مسئله این است که شما نباید بخاطر ارضا دوست پسر خود، اینهمه درد و رنج را تحمل کنید. ایشان باید این را درک کنند. توافق دوطرفه و رعایت حد و مرز طرف در یک سکس، بسیار مهم است.

سؤال ۲۶ - من از یک پسری خیلی خوشم میاد، اما او بی تفاوت است. ممکنه بگید که پسرها از چه تیپ دخترانی خوششان می‌آید؟
جواب: دوست عزیز، هر کسی از یک تیپ خاصی خوشش می‌آید، مگر خود شما از هر پسری که می‌بینید، خوشتان می‌آید؟ سما راحت و آزاد، میتوانید به طرف خود اظهار علاقه کنید اگر از شما خوشش می‌آید که چه بهتر، مشکل حل شده، اما اگر بی‌علاقه بود، و دارای ظرفیت، حتما از اظهار علاقه شما تشکر میکند و به شما بخاطر این آزادگی، احترام خواهد گذاشت نه تحقیر و یا فکرهای آنچنانی.

سؤال ۲۷ - اگه ممکنه در باره قرصهای ویاگرا بنویسید.

جواب: اطلاع آنچنان زیادی نداریم، فقط این را میدانیم که این قرصها برای افرادی تجویز میشوند که نیاز جنسی حس میکنند اما بنا به دلایل مختلف مشکل راست سدن کیر خود را دارند، بیشتر اوقات به افراد در سنین بالا از طرف پزشک تجویز می‌شود. اما باعث مرگ افراد زیادی هم شده است بخصوص افرادی که ناراحتی قلبی دارند و یا داروهای امراض قلبی استفاده می‌کنند.

سؤال ۲۸ - میخوام با پسر عموم ازدواج کنم، ولی شنیده‌ام که ازدواج بستگان نزدیک باعث معلول شدن کودک میشود؟

جواب: بله چنین امکانی هست. بهترین کار این است که قبل از ازدواج برای آزمایش و مشخص کردن مقاربت‌های ژنتیکی، به پزشک مراجعه کنید

سؤال ۲۹ - آیا کون دادن باعث یبوست میشود.

جواب: نه. کم تحرکی و نوشیدن آب کم، از جمله باعث یبوست میشود. در کون دادن مهمترین مسئله این است که شما از کاپوت استفاده کنید تا از بیماریهای مقاربتی در امان

باشید.

سؤال ۳۰- من یک دختر ۱۹ ساله هستم. آیا سکس داشتن همگام عادت ماهانه ضرر دارد؟ چه ضرری؟

جواب: نه. ضرری ندارد. فقط برای رعایت بهداشتی، خوب است مثلاً حوله‌ای زیر خود بگذارید که لازم به شستن ملافه‌های تازه خود نباشید. گاهی اوقات هنگام سکس در روزهای قاعدگی، مرد ممکن است یک سوزش کمی در آلت خود احساس میکند، بهترین کار این است که از کاپوت استفاده کنید. از آن گذشته، سکس تنها در دخول آلت تناسلی مرد به واژن خلاصه نمی‌شود. میتوان به طرق مختلف همدیگر را ارضا کرد.

سؤال ۳۱- من و زنم از سکس لذت می‌بریم، اما همیشه بعد از سکس، به زنم حالت تهوع دست می‌دهد؟ چرا؟

جواب: ایجاد تهوع بدنبال فعالیتهای جنسی، دارای دلایل مبهمی است، ممکن است این تهوع ناشی از تحریک نقاط خاصی از گوش ایشان باشد، و یا مشکلی در سیستم عصبی خانم شما باشد، بهرحال با یک پزشک متخصص زنان مشورت کنید و خوشحال میشویم که نتیجه را به هم اطلاع دهید.

=====

این هم دو آمارگیری در رابطه با سئوالی که در شماره قبل چاپ شده بود:
یک سه کافی باحال اینطور مینویسد:

در شماره قبلی سئوالی در اینبار بود که آیا پسرها کس با مو دوست دارند یا بی مو.
من از ۲۰ نفر در اینبار سئوال کردم و و این هم نتیجه آمارگیری من:
۱۸ نفر گفتند که از کس بی مو خوششان می‌آید.
یک نفر بی تفاوت بود و گفت که برایش فرقی نمی‌کند.
خود من هم کس بی مو را دوست دارم.

=====

یکی دیگر از خوانندگان هم در باره این مسئله از ۱۴ نفر از دوستان و همکلاسیهای خود پرسیده بود که اگر خود شما دوست دختر میخواهید، آیا داشتن دوست پسر را هم حق خواهر خود میدانید؟
شش نفر جواب مثبت دادند که هیچ اشکالی ندارد.
سه نفر مخالف بودند.

سه نفر گفتند که در اینبار اصلآ فکر نکرده‌اند و نمی‌توانند جواب دهند.
یک نفر گفت که دوست دارد، دوست پسر خواهر خود را بشناسد، اگر آدم درستی بود، مانعی ندارد.

خود من هم با این مسئله مشکلی ندارم، یعنی حق خواهرم میدانم که خودش دوست پسر خودش را انتخاب کند. مگه من خودم، می‌ذارم که کسی دوست دختر برام تعیین کند؟

=====

این هم تبادل تجربه بین خوانندگان:

در یکی از سئوالات شماره‌های قبل دوستی درباره جهش انزال و آب منی پرسیده بود که چرا آب ایشان مانند فیلمهای پورنو، جهش ندارد.

به این دوست جوان یک توضیح دهم که این روش یک تکنیک دارد و آن این است که در موقع انزال تمام کیر خود در دست گرفته و فشار دهند و تا دو انقباض همانطور محکم آنرا نگه دارند تا اصلآ آب از ایشان خارج نشود و در زمان انقباض سوم ناگهان دست خود را شل کنند تا آب با فوران و فشار بیرون بزند. با تمرین، میتوان کاری کرد که آب خود را حتی تا ۶۰ - ۵۰ سانتیمتر هم پرتاب کرد. البته این یک کار نمایشی است و هر چه زمان انزال نزدیکتر باشد، آب بیشتر و جهش بهتری خواهد داشت.

=====

از دوستانی که به سئوالات آنها جواب نداده‌ایم، پوزش می‌خواهیم. سعی می‌کنیم در شماره آینده نیز به یک سری سئوالات جواب دهیم.

۹-سربازی

زمانی که من سرباز بودم در یک پادگان دور افتاده تقریباً توی کویر خدمت میکردم. در آنجا مرخصی خیلی کم میدادن و همه سربازها حسابی تو کف کس و کون بودن و من هم توی اون ۲ سال نهایت لذت و استفاده رو از این موضوع میبردم، چون من بدجوری از سکس با همجنس خودم لذت میبرم. دعه اول که حال کردم با یک مرد از اهالی زابل بود. حدود دو متر قد و صد کیلو وزن داشت و چهره سیاهی داشت. من که حدس زده بودم که کیرش هم حتما خیلی باید کلفت و باحال باشه، اولین بار برای اینکه امتحانش کنم و ببینم که آیا او هم تمایلی داره یا نه، از یک فرصت استفاده کردم؛ به این شکل که یک روز ما سربازان کیپ تا کیپ تو آسایشگاه برای گوش دادن به حرفهای سرگروهبان، جمع شده بودیم. خودمو به جلو این زابلی رساندم و قیافه‌ای گرفتم که یعنی دارم به حرفهای سرگروهبان

گوش میدهم، اما حواسم به پشتم بود و هی کونم را از پشت به کیرش میچسبوندم. ولی اون زید توجهی نکرد. برای اینکه توجه اونو بیشتر جلب کنم، مشغول حرکت دادن کونم شدم. همینجور که داشتم اینکار را میکردم، یهو حس کردم که کیرش داره بزرگ میشه. من هم به کارم ادامه دادم. تا اینکه پسره برای اینکه منو امتحان کنه، دستشو زیر کونم انداخت. گویا میخواست واکنش منو ببینه. من هم برگشتم و لبخندی تحویلش دادم. او هم لبخندی زد و دندانهای سفیدش از زیر لبهای کلفت و سیاهش نمودار شدند. بعد از سخنرانی پیشم آمد. دیدم بدجوری حشری شده و دست و پاش داره میلرزه. بهش گفتم زیاد احساساتی نشو، امشب یه خالی بهت بدم که کیف کنی. گفت آخه چطوری، من که امشب مسئول نظافت اتاق جناب سروان هستم. گفتم خوب چه بهتر. همونجا میآم، با هم حال کنیم. گفتش باشه. شب که شد، از آسایشگاه بیرون آمدم و به طرف اتاق جناب سروان حرکت کردم. وقتی به آنجا رسیدم، در قفل بود. در زد. در را باز کرد. کاملا از حرکات و رفتارش معلوم بود که بدجوری حشری شده است.

بلافاصله در را بست و آن را قفل کرد. دیدم که یک طرف اتاق پتو پهن کرده بود و تمام پرده‌ها را کاملا کشیده بود. هنوز حرفی نزده بودم که دیدم منو از پشت تو آغوش خودش گرفت و دست بزرگش را با آن انگشتهای ضخیم تو شلوارم کرده و شروع کرد با کونم بازی کردن. برگشتم و بهش گفتم، عزیزم اگه اجازه بدی، میتونی کیرت رو اونجا بذاری. کمی آروم شد و دستش رو بیرون کشید. شروع کردیم با هم لب گرفتن، ولی متوجه شدم که که بدجوری آتیشش تند است و به این چیزها راضی نمی‌شه. شروع به لخت شدن کردیم. تنی سیاه با انبوهی از پیشم و مو در مقابل نمودار شد. وقتی شرتش رو درآورد، کیرش مثل یک مار سیاه و کلفت زد بیرون. آمد جلو و دستش رو تو موهام کرد و سرم رو بطرف کیرش هدایت کرد. من هم زانو زدم و اون کیر سیاه و کلفت و دراز رو گذاشتم تو دهنم. چند بار مک زدن، کافی بود تا اون کیر بزرگ، حسابی کلفتتر و درازتر بشه. تا حلقم هم که فرو میکردم، باز بیشتر کیرش بیرون می‌ماند. بعدش روی پتو دمر خوابیدم و او در حالی که سر کیرشو رو دور و بر سوراخ کونم میمالید، رویم دراز کشید.

بهش گفتم، فقط آبت رو آن تو نریز، (احتیاط از بیماری)، گفت باشه، سنگینی اون هیکل گنده رو روی خودم حس میکردم. بایه فشار، کیرشو تا خایه برد تو کونم کرد و همینطور که داشت عقب-جلو (یا بالا-پائین) میکرد با دستش هم با کیرم بازی میکرد. از درد بی حال و بی رمق شده بودم. تو همون حال، از پرسید: چطوره؟ حال میکنی؟ گفتم آره،

ولی کیرت خیلی کلفته! گفت کجاشو دیدی و شروع کرد به هر چه محکمتر منو گائیدن و تا میتونست کیرشو هر چه عمیقتر میکرد تو. حس کردم که کیرش باز هم بیشتر متورم شده، فهمیدم که وقت آمدنش است، معطل نکرد و کیرشو بیرون کشید و از نوک سرم تا پائین کمرم و قنبلهای کونم را از اسپرم خودش پوشاند.

۱۰- تاثیر سکس خوب و بد در زندگی زناشوئی

(کلاسهای آموزشی در منطقه هفت شهرداری تهران)

سلام بر همگی

این متن در مورد تاثیرات سکس خوب یا بد، در زندگی زناشویی می باشد (از نقطه نظر روانشناسی). این متن را با توجه به اینکه متاسفانه در اکثر خانواده های ایرانی، رابطه جنسی زوجین یک چیز پیش یا افتاده حساب میشود و کمتر کسی به تاثیرات آن در سایر روابط اعتقاد دارد، می نویسم.

در روابط زوجها هر چیزی میتواند نزدیکی و یا دوری بیشتر آنها بشود.

خیلی از مردها حتی در جریان اینکه زن هم مانند مرد باید از نظر جنسی ارضا بشود، نیستند و برای خیلی از آنها مهم نیست که آیا زنشان از این رابطه لذت می برد یا نه!!! حال شما خودتان را بجای آن زن قرار دهید، چه احساسی خواهید داشت؟ - احساس اینکه از شما سو استفاده شده، احساس اینکه توی خانه، شما را فقط برای پخت و پز و همخوابی شبانه میخواهند! شاید برای خیلی از شما عزیزان که این متن را میخوانید، این حرفها مسخره باشه و آن را جدی نگیرید! ولی این یک واقعیت است و منشا شروع اختلافات و سپس طلاق در بعضی از خانواده ها میشود.

سکس نیاز هر انسان و لذت بردن و لذت رساندن به طرف مقابل، نیاز و وظیفه هر دو نفر هست. توجه داشته باشید که در یک سکس خوب، با تغییر وضعیتهای مختلف، حرف زدن، نوازش و لمس نقاط حساس بدن، میتوانید که لذت رابطه خود را دو چندان کنید.

لازم به ذکر است که در یک رابطه دو طرفه، فقط شما و شریک شما مهم نیست بلکه عوامل دیگری مثل محل سکس، آرامش خاطر دو طرف، میزان نور و..... هم مهم اند. بسیاری از افراد سکسی همراه با اضطراب از این دارند که مبادا بچه ها وارد اتاق خواب شوند و این مانع از تمرکز ذهن و حواس آنها به سکس که مشغول آن هستند، میشود.

همانطور که بارها و بارها در سه کاف نوشته شده، در یک رابطه جنسی معمولاً زن دیرتر ارضا میشود و به وقت و زمان بیشتری نیاز دارد، به اعتباری دیرتر به ارگاسم می‌رسد. پس از تمامی آقایان می‌خواهم که فقط خودشان را مد نظر نگیرند و تا به اوج لذت جنسی رساندن شریک جنسی و یا همسر خودشان، کنار نکشند. هیچ چیز بدتر از ناکامی جنسی در یک سکس نیست. ریشه پیدا کردن فرد دیگری برای ارضا جنسی ریشه در همین ناکامی در سکس زن و شوهری دارد. و خود مقدمه‌ای میشود برای متلاشی شدن زندگی خانوادگی.

در ضمن این را به آقایان بگویم که سکس فقط در یک عمل دخول و تلمبه زنی خلاصه نمی‌شود. هر سکسی باید یک مقدمه و یک مؤخره داشته باشد، که معمولاً مقدمه یک سکس خوب با کلمات عاشقانه و هوس انگیز (بسته به سلیقه طرف) است و در پایان (با توجه به بی‌حالی هر دو طرف) با رفتار و حالت‌های، نوازش و... متاسفانه در ایران، کلاس یا مجله یا سی دی یا فیلم و... که سکس خوب را آموزش دهد، وجود ندارد و هر کسی هرچه که بلد است، آموخته‌های خودش میباشد که بیشتر ناقص، و گاهی هم غلط میباشد. حتی خیلی از مردها فقط از یک حالت و روش در سکس استفاده میکنند.

در ایران اولین مجموعه فرهنگی که شروع بکار بر روی مسائل خانوادگی (از جمله سکس) کرده، مؤسسه‌ی توسعه توان‌های فردی هست که زیر نظر شهرداری منطقه هفت تهران برای اولین بار، کلاس‌هایی در مورد روابط قبل از ازدواج و کلاس‌هایی در مورد روابط بعد از ازدواج تشکیل داده، که در قسمتهایی از آن در باره روانشناسی سکس صحبت میشود.

تنها چیزی که من تو ایران برای آموزش سکس دیده‌ام که مرجع کامل و خوبی هم هست، سی دی آموزشی **Anne Hooper's Ultimate Sex Guide** هست که دسترسی به آن هم به این راحتی نیست. این سی دی (بصورت **Mutimedia**)، مراحل سکس، و هزار چیز دیگر را به بهترین نحو به شما آموزش می‌دهد و این قابلیت را دارد که بعد از آموزش دیدن، امتحان داده (البته بصورت تئوری) و اطلاعات خود را بسنجید. امیدوارم که از سکس خودتان لذت ببرید.